

## Original Article

### The Ethical and Legal Dimensions of Global Discipline of Cyberspace through the Harmonization of International Treaties

Shirin Ahmadi Dastjerdi<sup>1</sup>, Abbas Sheikholeslami<sup>2\*</sup>, Haniyeh Hojabrosadati<sup>3</sup>

1 . Ph.D. Student, Department of Criminal Law and Criminology, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

2. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. (Corresponding Author) Email: Dr.sheikholeslami@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

Received: 4 May 2019    Accepted: 11 Sep 2019

#### Abstract

**Background and Aim:** Cyber space is changing rapidly. With the emergence of severe crises in this space, the harmonization of international treaties ethically can guarantee the creation of a global cyber discipline. This study explores the ethical and legal dimensions of the global discipline of cyberspace through the harmonization of international treaties.

**Materials and Methods:** In this analytical study, based on international documents, the ethical and legal aspects of the globalization of international treaties are discussed and explained.

**Findings:** Collaboration and participation in cyberspace globally requires the legal support of countries. There is also a coordinated role for governments to interact more by joining international treaties and integrating them to discipline of cyberspace. In fact, the globalization of cyberspace, as a new world, has transcended the limits of traditional laws. Therefore, domestic criminal regulations do not have the ability to deal with cybercrimes, and there is a growing need for countries to cooperate and interact with one another through the harmonization of international treaties and conformity with national laws based on ethical principles. Regardless of racial, regional, religious affiliations, respect for human dignity, human rights and non-discrimination; states must adhere to not only legally but also in terms of ethical values and norms, required to comply with international treaties.

**Conclusion:** The global discipline of cyberspace through the harmonization of treaties, calls for common ethical norms and universal rights and forged a common identity to build a united world community by transcending geographical boundaries and diversity of nations.

**Keywords:** Ethics; Law; Globalization; Cyberspace; Treaty

**Please cite this article as:** Ahmadi Dastjerdi S, Sheikholeslami A, Hojabrosadati H. The Ethical and Legal Dimensions of Global Discipline of Cyberspace through the Harmonization of International Treaties. *Bioethics Journal* 2019; 9(33): 89-98.

## ابعاد اخلاقی و حقوقی نظم جهانی فضای سایبر از طریق یکسان سازی معاهدات جهانی

شیرین احمدی دستجردی<sup>۱</sup>، عباس شیخ الاسلامی<sup>۲\*</sup>، هانیه هژبرالساداتی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

۲. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: Dr.sheikholeslami@gmail.com

۳. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

دریافت: ۱۳۹۸/۲/۱۴ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۲۰

### چکیده

**زمینه و هدف:** فضای سایبر به سرعت در حال تغییر است. با بروز بحران‌های شدید در این فضا، یکسان سازی معاهدات بین‌المللی به لحاظ اخلاقی می‌تواند ایجاد نظم جهانی سایبری را تضمین کند. در این مطالعه به تبیین ابعاد اخلاقی و حقوقی نظم جهانی فضای سایبر از طریق یکسان سازی معاهدات جهانی پرداخته می‌شود.

**مواد و روش‌ها:** در این تحقیق تحلیلی با استناد به اسناد بین‌المللی، ابعاد اخلاقی و حقوقی یکسان سازی معاهدات بین‌المللی به منظور نظم جهانی فضای سایبری تحلیل و تبیین می‌شود.

**یافته‌ها:** مشارکت و همکاری در فضای سایبری در سطح جهانی مستلزم حمایت کشورها ست. همچنین نقش هماهنگ دولت‌ها در تعامل بیشتر از طریق پیوستن به معاهدات بین‌المللی و یکسان سازی آن‌ها برای انضباط فضای سایبر است. در واقع جهانی شدن فضای سایبر، همانند یک دنیای جدید حدود و ثغور حقوق سنتی را درنور دیده است. بنابراین مقررات کیفری داخلی کشورها قابلیت و توانایی مقابله با جرائم ارتكابی در فضای سایبر را ندارد و همکاری و تعامل روزافزون کشورها با یکدیگر از طریق یکسان سازی معاهدات بین‌المللی و مطابقت قوانین داخلی با آن بر مبنای اصول اخلاقی ضرورت دارد. صرف نظر از وابستگی‌های نژادی، سرزمینی، مذهبی و همانند آن، احترام به کرامت انسانی، حق‌های بشری و منع تبعیض مطرح می‌شوند؛ کشورها نه صرفاً از نظر حقوقی، بلکه از جهت ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی، لازم است قوانین بین‌المللی را رعایت کنند.

**نتیجه‌گیری:** نظم جهانی سایبر از طریق یکسان سازی معاهدات، هنجارهای اخلاقی مشترک و حقوق همگانی را فراخوانده و هویتی مشترک ایجاد می‌کند تا با درنوردیدن مرزهای جغرافیایی و تنوع ملل، جامعه جهانی یکپارچه ساخته شود.

**واژگان کلیدی:** اخلاق؛ حقوق؛ جهانی شدن؛ فضای سایبر؛ معاهده؛ یکسان سازی

## مقدمه

در دهه‌های اخیر، انسان علاوه بر دنیای فیزیکی که از بدو خلقت با آن انس داشته، به دنیای جدیدی به نام فضای سایبر پا گذاشته است که از ویژگی‌های متفاوتی برخوردار است. این فضا قابلیت‌هایی دارد که بشر را ناگزیر از به کارگیری همگانی و بدون تبعیض آن در تمام عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و صنعتی می‌کند. انعطاف‌پذیری و راحتی کاربرد آن، موانع سن و دانش و مهارت را از میان برداشته و سبب عمومیت استفاده از آن شده است. سایبر در زبان انگلیسی پیشوند و در زبان فارسی پسوندی است که به کلمات جدید و امروزی متصل می‌شود تا به آن‌ها معنا و مفهوم دهد. به گونه‌ای که مرتبط با فضای رایانه یا برخط (آنلاین) باشد. در ترجمه فارسی، این لغت معمولاً در سه اصطلاح رایانه‌ای، سایبری و آنلاین به کار برده می‌شود، هرچند بعضاً لفظ مجازی به عنوان معادل آن گرفته می‌شود، اما چون Cyber بیانی از موضوعات واقعی و قابل مشاهده، ولیکن غیر قابل لمس است، نمی‌تواند بر لفظ مجاز که به موضوعات ذهنی و تصویری اشاره دارد، حمل شود (۱). سایبر از کلمه Cyberspace مشتق شده که به مطالعه مکانیزم‌های مورد استفاده در کنترل و تنظیم سیستم‌های پیچیده اعم از انسان یا ماشین اطلاق می‌شود و اصطلاح فضای سایبر یا دنیای مجازی آنلاین اصطلاحی نسبتاً جدید است، اما مفهوم آن جدید نیست و پیدایش این مفهوم هم‌زمان با اختراع تلفن توسط الکساندر گراهام بل در سال ۱۸۷۶ بوده است، ولی واژه فضای سایبر را اولین بار ویلیام گیبسون در کتاب رمان «نورومنسر» (Neuromancer) که در آن فضای مذکور را موطن داده‌ها و اطلاعات موجود در یک آینده دور تاریک توصیف می‌کند، به کار برد (۲).

در خصوص فضای سایبر تعاریف متعددی وجود دارد، لیکن تعریف نسبتاً جامع از فضای سایبر عبارت است از محیطی غیر ملموس و غیر فیزیکی که با اتصال شبکه‌های ارتباطی و یا سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی به وجود آمده و محتوای آن به صورت غیر ملموس و مجازی است و صوت، تصویر، نوشته، سند و از این قبیل موارد را شامل می‌شود. با این تعریف فضای سایبر اعم از فضای اینترنت است و

برخلاف تصور بسیاری، محدود به فضای اینترنتی نمی‌شود، بلکه شبکه جهانی اینترنت مصداق برجسته این فضا در کنار مخابرات و سیستم‌های رایانه‌ای محلی و منطقه‌ای تلقی می‌گردد. از مهم‌ترین خصوصیات این فضا سریع و فوری بودن فعالیت در آن است. فضای غیر فیزیکی سایبر هر روز در حال گسترش است، به گونه‌ای که تعداد زیادی از افراد بدون استفاده از آن در زندگی خود با وقفه مواجه می‌شوند (۳).

جهانی‌شدن رویدادی است که به سرعت در حال گسترش است و بدیهی است که با دسترسی به اینترنت و فضای سایبر، بحث در خصوص نظم جهانی سایبر اجتناب‌ناپذیر است. جهانی‌شدن بیش از هر چیز به درک دقیق شرایط و موقعیت‌هایی وابسته است که با خود به همراه می‌آورد. کشورها از طریق فضای سایبر با یکدیگر کار و همکاری می‌کنند تا به چالش‌های پیش روی خود واکنش صحیحی نشان دهند. هدف از نظم جهانی سایبری، نظم در ساختار دولت‌ها و منافع ملی کشورهاست (۴). امروزه سیستم‌های رایانه‌ای و فضای مجازی سبب شده تا مجرمان در نقاط مختلف جهان صرف نظر از مرزهای جغرافیایی، دور از چشم کنترل‌کننده دیگران، مرتکب جرم شوند. در جهت حمایت از فضای سایبر، دولت‌ها به انحای مختلف می‌کوشند بر این فضا نظارت کنند. نظارت، موضوعی کلیدی است که از طریق ایجاد معاهدات یکسان امکان‌پذیر می‌شود و بر ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی از جمله رعایت حریم خصوصی و اجرای عدالت تأثیر دارد. نظم و امنیت عمومی نیز به عنوان یکی از مفاهیم بنیادی در دولت‌ها و توجیه حفظ منافع و مصالح کشور که ریشه در اخلاق دارد، مفهومی شناخته شده است. درباره نظم تعاریف و نظریات متعددی مطرح شده است. در اندیشه مدرن یکی از مهم‌ترین نظریات، نظریه عینی و شخصی است. بر مبنای نظریه عینی، نظم به مثابه امری تکوینی و طبیعی به گونه مستقل در خارج وجود دارد و نقش حقوق در نسبت با نظم، شناسایی و تضمین آن به وسیله قواعد حقوقی و اخلاقی در سطح بین‌الملل است. در ایجاد نظم جهانی در فضای سایبری باید به مقررات اخلاقی احترام گذاشته شود، البته نه این‌که ایجاد نظم لزوماً به قضاوت‌های اخلاقی نیاز دارد، لیکن نیازمند

وزن دادن به ارزش‌های اخلاقی و حقوق انسانی است. در واقع سلامت ارتباطاتی که امروز از طریق سایبر به وجود آمده، مستلزم پایبندی به اصول اخلاقی مشترک است (۵).

فضای سایبر به رغم ارمغان برای بشر، آسیب‌هایی نیز به همراه داشته که لذت پیشرفت را در کام بسیاری از افراد تلخ کرده است. بروز چالش‌های اخلاقی و حقوقی مرتبط باعث شده توجه متخصصین اخلاق و حقوق به این حوزه معطوف شود. بدون شک با این اوصاف، بهره‌برداری صحیح و درست از این فضا و پیشگیری از آسیب‌های آن مستلزم رعایت هنجارهای اخلاقی است که گاهی مستوجب جرم‌انگاری و مجازات می‌شود. در این مطالعه به تبیین نظم جهانی فضای سایبر از طریق یکسان‌سازی معاهدات جهانی و ابعاد اخلاقی و حقوقی آن می‌پردازیم.

## مواد و روش‌ها

در این تحقیق تحلیلی با استناد به اسناد بین‌المللی، ابعاد اخلاقی و حقوقی یکسان‌سازی معاهدات بین‌المللی به منظور نظم جهانی فضای سایبر تحلیل و تبیین می‌گردد.

## ۱- مفهوم یکسان‌سازی

یکسان‌سازی عبارت است از: «ورود قواعد و ضوابط آن رشته به عرصه روابط بین دولت‌ها و افراد بر اساس توافقاتی که بین آن‌ها صورت می‌گیرد.» به عبارت دیگر مراد از یکسان‌سازی حضور این قواعد در حقوق فراملی و جهانی شده است. از آنجا که در عرصه بین‌الملل یک قدرت فائقه مرکزی برای وضع قانون و نظارت بر اجرای قانون وجود ندارد، قواعد بین‌المللی نشأت گرفته از توافقاتی است که دولت‌ها به عمل می‌آورند. این قواعد با این ویژگی نه مافوق دولت‌ها، بلکه در اختیار آنان خواهد بود که به خواست خود، به آن‌ها تعهد سپرده‌اند و برای صلاح امور بین‌المللی و تنظیم روابط، آن‌ها را بین خود الزام‌آور ساخته‌اند. در این عرصه فضای سایبری نقشی حیاتی را ایفا می‌کند (۶).

نقطه شروع و خاستگاه عملی در شکل‌گیری تعریف ما از یکسان‌سازی، توجه به معنای خاصی است که حقوقدانان تطبیقی به این واژه نسبت داده‌اند. حقوقدانان نقش بسیار

مهمی در شکل‌گیری و پیش‌بردن بحث «یکسان‌سازی قوانین» داشته‌اند. بوگدان (Bogdan) یکسان‌سازی را به صورت مختصر و موجز «معرفی عامدانه قوانین حقوقی یکسان به یک یا تعداد بیشتری از سیستم‌های حقوقی» تعریف کرده است. همچنین کامبا (Kamba) یکسان‌سازی را به صورت رویه‌ای توصیف نموده که به موجب آن دو یا تعداد بیشتری از شروط قانونی یا سیستم‌های قضایی با یک شرط یا یک سیستم حقوقی انتزاعی جایگزین می‌شوند. شباهت‌های بین تعاریف مبتنی بر حقوق تطبیقی ما را به سمت اولین الزام و پیش‌شرط اساسی در تعریف یکسان‌سازی رهنمون می‌سازند، در نتیجه یکسان‌سازی قوانین در وهله اول نیازمند «جایگزینی قوانین در دو یا تعداد بیشتری از حوزه‌های قضایی با یک پیکره واحد از نُرم‌ها است»، اگرچه پیش‌شرط اولیه ما انعکاس دهنده عناصر معمول تعاریف مبتنی بر حقوق تطبیقی است، اما الزام معرفی عامدانه در تعریف بوگدان شاهی بر این مدعا بوده که قوانین دو یا تعداد بیشتری از حوزه‌های قضایی ممکن است در طول زمان توسعه پیدا کنند و بدون این‌که در این بین مداخله عامدانه‌ای توسط طرف سوم وجود داشته باشد، انعکاس‌دهنده برخی وجوه حوزه‌های دیگر باشد. این چالش به بروز شباهت‌های ماهوی در مقابل شباهت‌های صوری و ظاهری منجر می‌شود.

یکی از وجوه مهم یکسان‌سازی، تعبیر و اعمال یکسان قوانین در تمام کشورهاست. حصول این سطح از «یکنواختی کاربردی و عملی» تنها در صورتی امکان‌پذیر است که دادگاه‌های ملی از احکامی که در حوزه‌های قضایی دیگر صادر می‌شوند، آگاه باشند. در این خصوص کاسترلی (Casterli) مفهوم یکسان‌سازی را به شرح ذیل بیان می‌کند: «جایگزینی عامدانه قوانین داخلی در دو یا تعداد بیشتری از حوزه‌های قضایی با یک پیکره واحد از نُرم‌های بین‌المللی که به صورت یکسان تعیین، تفسیر و اجرا شوند» (۷).

به علاوه با توجه به این‌که شمول شرط تفسیر یکسان‌سازی قوانین در تکمیل فرآیند یکسان‌سازی قوانین اهمیت بسیاری دارد و در عین حال قطعیت این مسأله را زیاد می‌کند، این وجه از تعریف ما نیازمند شفاف‌سازی بیشتری است، اما باید

اخلاقی، حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی را دو نظام یا دو سیستم حقوقی مجزا و مستقل می‌دانند که هر یک دارای ماهیت و قلمرو خاصی است؛ این نظریه را دوگانگی یا ثنویت حقوقی می‌نامند. در مقابل طرفداران مکتب عینی‌گرایی (Objectivity) حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی را غیر قابل تفکیک دانسته و معتقد به اصل وحدت نظام حقوقی هستند، زیرا به اعتقاد ایشان مفهوم واقعی حقوق از تجمع اصولی ناشی می‌شود که حاکم بر مجموعه فعالیت‌های اجتماعی است؛ این نظریه را یگانگی یا وحدت حقوقی می‌گویند.

مونیزم‌ها (Monism) مجموعه متحدالشکلی از قواعد حقوقی را در نظر می‌گیرند که حقوق بین‌الملل در رأس آن قرار دارد. به طور سلسله‌مراتبی، همه قواعد حقوقی در این نظریه، جایگاه نازل‌تری نسبت به حقوق بین‌الملل دارند. دوالیزم‌ها (Dualism) با تفکیک در منابع علم حقوق و قراردادن هر یک در طبقه‌ای خاص به توصیف منابع و سلسله مراتب در تبیین قواعد حقوقی می‌پردازند. بعضی از کشورها در تعیین اولویت و تقدم و تأخر بین حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل با پیروی از سیستم سنتی، برتری را به قوانین و نظم اجرایی داخلی می‌دهند؛ با این استدلال که قوانین داخلی قبل از حقوق بین‌الملل وضع شده‌اند. دیدگاه دیگر مبین آن است که حقوق بین‌الملل بخشی عادی از نظم حقوق داخلی محسوب می‌شود و بدون تصویب یا در صورت نبود قوانین داخلی معاهدات بین‌المللی توسط قضات قابل اجراست (۱۰).

واقعیت این است که امروزه دیگر قلمرو صلاحیت ملی و انحصاری دولت‌ها که عبارت از حوزه حقوق داخلی باشد، آن چنانکه در زمان تأسیس جامعه ملل و حتی سازمان ملل متحد تصور می‌شد، قلمروی محصور و انحصاری و غیر قابل نفوذ به شمار نمی‌آید و حقوق بین‌الملل به مرور به آن راه می‌یابد. با توجه به آنچه گفته شد، دیگر دولت‌ها نمی‌توانند به این عنوان که موضوعی در قلمرو حقوق داخلی آن‌هاست، مانع از سلطه حقوق بین‌الملل به امور داخلی خود شوند. فرضیات مربوط به جدایی قلمرو حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل، آن چنانکه در حقوق بین‌الملل کلاسیک معتبر بود، عملاً ارزش و اعتبار خود را از دست داده است. حقوق بین‌الملل کلاسیک در مورد

بین «قطعییت حقوقی» و «قطعییت نتیجه» تمایز قائل شویم. برای مثال ممکن است در مورد قطعییت قوانین تجویز شده توسط یک سیستم حقوقی یکسان مطمئن باشیم، اما اگر روش تفسیری خاصی را درباره این قوانین اعمال کنیم، هیچ قطعییتی در مورد نتایج حاصل وجود نخواهد داشت، در نتیجه حصول نتایج قطعی الزاماً ماحصل ایجاد قوانین یکسان نیست. به هر روی، این موقعیت نامطلوب اصلاح‌پذیر است. دیوید (David) یکسان‌سازی را به صورتی تعریف می‌کند که ظاهراً خلأ موجود بین قوانین یکسان و نتایج یکسان را پر می‌کند. از دیدگاه وی یکسان‌سازی «فراهم‌کردن قوانین یکسان برای کشورهای متفاوت است، به گونه‌ای که در صورت بروز مشکلی در ارتباط با قوانین بین‌المللی، نتیجه‌ای یکسان در همه جا اعمال گردد» (۸). اگر تعاریف فوق را با هم ترکیب کنیم، رابطه بین آن‌ها واضح می‌شود و در نتیجه تعریفی از یکسان‌سازی قوانین خواهیم داشت که به عنوان مرجع بحث حاضر مورد استناد قرار می‌گیرد. در این مطالعه «یکسان‌سازی معاهدات» به صورت ذیل تعریف می‌شود: «جایگزینی عامدانه قوانین دو یا تعداد بیشتری از سیستم‌های قضایی با یک پیکره واحد از نُرم‌های بین‌المللی که به صورت یکسان تفسیر و اعمال شوند، به گونه‌ای که در صورت بروز اختلاف راه‌حل‌ها و نتایج یکسانی حاصل شود.» همان‌گونه که مشاهده می‌گردد، در تعریف مذکور سه شرط وجود دارد:

۱- ایجاد یک قانون یا متن واحد.

۲- اعمال یکسان قانون مذکور و متعاقب آن.

۳- حصول نتایج یکسان (۹).

## ۲- تئوری‌های موجود در نظام حقوق داخلی (مونیزم و دوالیزم حقوقی)

در اینجا منظور از به کار بردن دیدگاه تئوریک، تئوری‌های دانشمندان عرصه حقوق بین‌الملل است. مطالعه چنین تئوری‌هایی مبین آن است که موضوع مناسبات بین حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی، وابستگی تام و کامل حقوقی و اخلاقی به مسأله مبانی حقوق بین‌الملل دارد. طرفداران مکتب اراده‌گرایی (Voluntarism) که آرای آن‌ها با تئوری‌های اخلاقی حقوقی و سیاسی قرین شده است، با توجه به اصول

جدایی حقوق بین‌الملل از حقوق داخلی مقرراتی داشت که آثار آن در میثاق جامعه ملل (بند ۸ از ماده ۱۵)، منشور ملل متحد (بند ۷ از ماده ۲) نیز دیده می‌شود.

با سازمان‌یافتن جامعه جدید بین‌الملل و تشکیل سازمان جهانی تعارض و اختلاف حقوق بین‌الملل با قواعد داخلی حقوق کیفری از میان خواهد رفت. نظم حقوقی آن چنانکه نویسندگان پیشرو در قلمرو حقوق بین‌الملل بیان کرده‌اند، برقرار می‌شود. یگانگی حقوق با برتری حقوق بین‌الملل بر قواعد داخلی حقوق کیفری کشورها تحقق می‌یابد. در چنین موقعی است که می‌توان گفت حقوق بین‌الملل ارزش خود را بازیافته و به عنوان یک عامل نظم‌دهنده در سایر روابط شعبه‌های مختلف خود از جمله حقوق کیفری را تنظیم و تنسيق می‌کند. منافع اجتماع بزرگ بشر بر منافع موقت و محدود اجتماعات کوچک و کوچک‌تر مقدم می‌شود. هر قدر که حقوق بین‌الملل و قواعد داخلی حقوق کیفری جدا از یکدیگر فرض شوند، ناگزیر در موارد متعددی با یکدیگر تلاقی پیدا می‌کنند (۱۱).

### ۳- طرق الزام جهانی به التزام در مقابل قواعد یکسان‌ساز از طریق معاهده

در هر جامعه قواعد و مقرراتی وجود دارد که اساساً حافظ ارزش‌های مرتبط با مصالح و منافع ملی و اجتماعی است. این منافع که به تناسب اوضاع و احوال خاص اقلیمی، تاریخی، سیاسی و اقتصادی در هر جامعه مقامی والا دارد، محتوای قواعد آمره‌ای را تشکیل داده‌اند که تخطی از آن‌ها جایز نیست، البته باید بیان داشت که مصالح و منافع بین‌المللی به آسانی قابل تشخیص نیست. صرف نظر از منافع و مصالح عمومی که با توجه به ساختار و ماهیت حقوق بین‌الملل می‌توان آن‌ها را تشخیص داد، منافع دیگر نیز وجود دارند که به سبب تحولات روزافزون نظام بین‌الملل می‌توان آن‌ها را دریافت. این منافع فقط در محدوده منطقی مربوط به حقوق بشر قابل درک هستند و حمایت از آن‌ها به موجب قوانین و مقررات مختلف ضروری است (۱۲).

در حقوق داخلی کشورها معمولاً قواعدی آمرانه وجود دارد که برتر از قوانین و مقررات و عقود است و اجرای آن‌ها را

مقامات داخلی هر کشور تضمین و تأمین می‌کنند. برای مثال قواعد مربوط به نظم عمومی یا اخلاق حسنه که در نظم عمومی اغلب کشورها مافوق قوانین و مقررات دیگر قرار دارند و مقامات اجرایی و قضایی هر دولت این قواعد را شناخته و به آن‌ها عمل می‌کنند. در جامعه بین‌الملل نیز همواره اصول و قواعدی وجود دارد که برتر از سایر مقررات حقوق بین‌الملل است، بدون این‌که لازم باشد برتری این قواعد را دولت‌ها صریحاً و رسماً اعلام کنند (۱۳).

معاهدات از حیث ماهیت به دو دسته تقسیم می‌شوند:

- معاهدات قانون ساز یا عام که اراده‌های مشترک طرفین خود را به گونه‌ای همساز وحدت می‌بخشند و در نتیجه موجب قواعد حقوقی عام و اساسی می‌گردند و منابع اصلی و مستقیم حقوق بین‌الملل قلمداد می‌شوند. هدف اساسی معاهدات قانون ساز یا عام تأمین منافع عموم و مصالح جامعه بین‌المللی و احترام به حاکمیت قانون است که منعکس‌کننده ریشه‌های اخلاقی و حقوقی می‌باشد. در چارچوب این هدف اساسی، اهداف دیگری از جمله حفظ نظم عمومی بین‌المللی، هماهنگ نمودن اقدامات کشورها به طور نهادین در زمینه‌های مختلف اخلاقی و حقوقی در سطح جهانی، تعیین حقوق و تکالیف شهروندی اتباع کشورها، حفظ و اعتلای حقوق بشر و حقوق عموم نیز مد نظر است.

- معاهدات قراردادی یا خاص اعم از دوجانبه یا چندجانبه در واقع به اعمال حقوقی مشخص و محدود عینیت می‌بخشند و هدف از انعقاد آن‌ها، نیل به منافع خاص کشورهای متعاقد است، از جمله این‌گونه معاهدات می‌توان از موافقت‌نامه‌های تجاری و فرهنگی نام برد. برخلاف قواعد عام یا حقوق بشری در عرصه حقوق بین‌الملل که حتی در صورت نپذیرفتن و امضانکردن معاهده الزاماتی را برای کشورها به ارمغان می‌آورد، قواعد خاص یا معاهده‌ای تنها برای کشورهایی الزام‌آور است که تن به انعقاد معاهده داده‌اند. برای مثال در عرصه حقوق عمومی رعایت اصل برائت و اصول شکلی و ماهوی حقوق عمومی جای تردید در تبعیت از آن باقی نمی‌گذارد (۱۴).

**۴- اخلاق، حقوق و ایده جهان شمولی حقوق بشر معاصر**

اصول اخلاقی و قواعد حقوقی آشکارا با یکدیگر در ارتباطند، هر دو شامل هنجارهایی هستند با محتوای یکسان و ناظر بر منع اضرار به دیگران و اداره منابع محدود، یعنی هنجارهایی که ضررزدن به دیگران را منع و رابطه تملیک و توزیع منابع طبیعی را تنظیم می‌کنند. معاهدات نیز بر همان اساس امکان دارد تعهدی را به مرحله اجرا بگذارند یا از اجرای آن صرف نظر کنند. قواعد و معاهدات راجع به مسئولیت تقصیری، بازتاب و تجلی هنجارهای اخلاقی است. معاهدات ممکن است به شیوه‌های مختلف فضاهایی را منطقه آزاد حقوقی در نظر گیرند. جاهایی که فروعاً یک اصل حقوقی نیاز دارد با توسل به اصول اخلاقی تکمیل می‌شود، مثلاً قلمرو ضمانت اجرای حق حیات، حق آزادی بیان، آزادی و امنیت فردی و رفتار مساوی مطابق قانون، با استمداد از مفاهیم اخلاقی تکمیل می‌شود (۱۶).

در اعلامیه جهانی حقوق بشر، حق‌ها در پیوند با کرامت انسانی قرار دارند. صرف نظر از وابستگی‌های نژادی، سرزمینی، مذهبی و همانند آن، حق‌ها مطرح می‌شوند. ماده ۱ این اعلامیه که در حقیقت اصلی نظری و پایه‌ای را مطرح می‌کند، به مبانی نظری جهان‌شمولی که همگی مفاهیمی اخلاقی هستند، اشاره می‌کند. در این ماده آمده است: «همه انسان‌ها آزاد آفریده شده و در حیثیت و حقوق برابرند.» اصل عدم تبعیض مقرر در ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز در ادامه این اصل بنیادین قرار دارد. این دو ماده در پرتو مقدمه اعلامیه مزبور به اصول مفاهیم ارزشمند اخلاقی که شناسایی شأن و کرامت ذاتی و حقوق برابر و غیر قابل سلب تمام اعضای خانواده انسانی را اساس آزادی، عدالت و برابری و صلح جهانی قرار داده، معنا و مفهومی جهان‌شمول و فرهنگی به خود می‌گیرد (۱۵).

#### **۵- تنظیم فراملی فضای مجازی از طریق انعقاد معاهدات جهانی**

در سایبر مرزی وجود ندارد و مرزهای سیاسی و جغرافیایی هیچ تأثیری در این فضا ندارند و تمام کشورها و انسان‌ها در هر جا می‌توانند به راحتی از طریق شبکه‌های

مجازی وارد این فضا شوند و چه بسا مرتکب افعالی گردند که در دنیای واقعی حسب مورد هرگز نتوانند یا نخواهند که این اعمال را انجام دهند. از نقطه نظر اجتماعی به همان میزان که سایبر برای جوامع سودمند است، ممکن است موقعیت‌های مخاطره‌انگیز نیز به وجود آورد و این فضا فارغ از هرگونه مرز و محدوده‌ای بعضاً با هرج و مرج مواجه شود. از این رو به موازات پدیدآمدن سایبر، جرائم سایبری نیز به وجود می‌آید. برای مبارزه با این جرائم کارشناسان فنی این صنعت برای ارتقای سطح آگاهی عمومی کاربران که بعد اخلاقی دارد، ابتدا راه‌کار آموزشی و سپس راه‌کارهایی فنی ارائه کردند. راه‌کارهایی از جمله رمزنگاری برای حمایت از حریم خصوصی افراد و نیز ایجاد تکنیک مبارزه با انواع حملات مخرب نظیر ویروس‌ها و کرم‌های رایانه‌ای، لیکن راه‌کارهای فنی با افزایش دانش مرتکبان این جرائم در غلبه ناتوان بود. از این رو برای پیشگیری از جرائم سایبر به الزامات حقوقی و اخلاقی روی آورده شد؛ با این‌که کشورها اغلب به تدوین قانون مستقل برای مبارزه با این جرائم تمایل داشتند و این مقررات به گونه‌ای طراحی می‌شدند که بر طیف وسیع‌تری از حقوق و ارزش‌های انسانی و اخلاقی برای هر دو حالت شخصی و جمعی به کار گرفته شود، لیکن با عنایت به رشد این جرائم به خصوص در قرن اخیر کشورها به سبب پیشرفت فناوری تغییر مستمر قوانین را الزامی می‌دانند (۱۷).

از سال ۲۰۰۰ به بعد دولت‌ها درصدد کنترل فضای سایبر برآمدند، زیرا دریافتند راه‌کارهای آموزشی، فنی و حقوقی برای برخورد با این پدیده کفایت نمی‌کند. آن‌ها برای حل این معضل برآن شدند که تا هم در سطح ملی و هم سطح بین‌الملل حضور فعال داشته باشند، چراکه فضای سایبر و جرائم آن پدیده‌ای جهانی هستند و دولت‌ها صرفاً با اتخاذ راه‌کارهایی در سطح ملی نمی‌توانند آن‌ها را کنترل کنند، لذا تصویب معاهدات هماهنگ که جنبه جهانی و بین‌المللی دارند، سبب ایجاد نظم در این فضا شده و سبب می‌شود مرتکبین آن به لحاظ بین‌المللی هم مسئولیت داشته باشند (۱۸).

در سطح جهانی برخی سازمان‌های بین‌المللی اقداماتی را در این خصوص انجام داده‌اند، از جمله اقدامات سازمان

همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)، اتحادیه اروپا در تصویب کنوانسیون جرائم سایبر بوداپست، اتحادیه بین‌الملل ارتباطات راه دور (ITU)، کنوانسیون بوداپست ۲۰۰۴ و برخی اقدامات سازمان ملل از جمله برگزاری اجلاس‌های جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی که نخستین اجلاس در دسامبر ۲۰۰۳ در ژنو و دومین اجلاس در اکتبر ۲۰۰۵ در تونس برگزار شد که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

#### ۵-۱- سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD):

این سازمان در سال ۱۹۴۸ تحت عنوان سازمان همکاری اقتصادی اروپا تأسیس شد. این مؤسسه تحت مدیریت رابرت مارژولین فرانسوی به منظور اجرای طرح بازسازی کشورهای اروپایی بعد از جنگ جهانی دوم ایجاد شد؛ طرحی که تحت عنوان برنامه مارشال ایالات متحده آمریکا برای بازسازی اروپای بعد از جنگ و مبارزه با کمونیسم برنامه‌ریزی کرده بود. در سال‌های بعد، اعضای غیر اروپایی نیز به این سازمان پیوستند و در سال ۱۹۶۱ در اجلاسی با تصویب آیین‌نامه جدید در زمینه توسعه و اقتصاد، نام سازمان را نیز به سازمان همکاری و توسعه اقتصادی تغییر دادند. گذشته سازمان همکاری و توسعه اقتصادی را می‌توان به دو مرحله تقسیم کرد: فعالیت کشورهای غربی از سال‌های ۶۱-۱۹۶۰ تا دسامبر سال ۱۹۷۳ بیشتر بر روی مسائلی از قبیل رشد اقتصادی در سطح جهانی، اشتغال کامل، کاهش تورم، نوسانات بازار ارز و... متمرکز بود. از سال ۱۹۷۴ به بعد، کشورهای مذکور با بحران انرژی و عواقب ناشی از آن مواجه شدند. از جمله مأموریت‌های OECD می‌توان به کمک به ثبات اقتصادی، زمینه‌سازی برای رشد اقتصادی و دموکراسی و ارتقای رفاه اجتماعی در کشورهای عضو اشاره کرد، تا آنجا که وظایف سازمان مذکور، امروزه به بررسی و حل مشکلات مربوط به اقتصاد داخلی کشورهای عضو معطوف شده‌است (۱۹).

#### ۵-۲- اتحادیه بین‌الملل ارتباطات راه دور (ITU):

سال ۱۸۶۵ پس از اختراع تلگراف بیست کشور اروپایی نهادی را به عنوان اتحادیه بین‌المللی تلگراف تأسیس کردند که اولین مقررات بین‌المللی ارتباطات راه دور (مخابرات) در آن به

تصویب رسید. این اتحادیه پس از کنفرانسی جهانی در مادرید اسپانیا به اتحادیه بین‌المللی ارتباطات راه دور (مخابرات) یا ITU تغییر نام داد. پس از تأسیس سازمان ملل متحد، در سال ۱۹۴۵، آی.تی.یو به نهادی وابسته به این سازمان تبدیل شد. اتحادیه بین‌المللی مخابرات یا آی تی یو یک سازمان بین‌المللی وابسته به سازمان ملل متحد است. این اتحادیه دومین اتحادیه قدیمی پس از کمیسیون راین است و وظیفه قانونگذاری و مدیریت فضای فرکانسی، تدوین استانداردهای تبادل داده و اطلاعات و همچنین کمک به رشد و توسعه ارتباطات در سراسر جهان را بر عهده دارد. مقر این سازمان در ژنو است (۲۰).

#### ۵-۳- کنوانسیون بوداپست ۲۰۰۴:

کنوانسیون جرائم سایبری معروف به «کنوانسیون جرائم سایبری بوداپست» یا به اختصار «کنوانسیون بوداپست» نخستین معاهده بین‌المللی است که به جرائم رایانه‌ای و اینترنتی می‌پردازد و می‌کوشد قوانین ملی را سازگار کند، روش‌های تحقیقات را ارتقا دهد و همکاری بین کشورها را بهبود بخشد. این کنوانسیون توسط شورای اروپا در سال ۲۰۰۱ ارائه شد و از ۲۳ نوامبر ۲۰۰۱ کشورها می‌توانستند آن را امضا کنند. از ابتدای ژوئیه ۲۰۰۴ کنوانسیون به اجرا درآمد. تا سال ۲۰۱۳، ۳۹ کشور از جمله کشورهای عضو اتحادیه اروپا این کنوانسیون را مصوب نموده و ۱۲ کشور نیز آن را امضا کرده‌اند (۲۱).

کنوانسیون بوداپست ۲۰۰۴ تاکنون تلاشی‌هایی در جهت دستیابی به توافقی که دست کم بتواند ذی‌نفعان دولتی را متحد سازد و بازیگران مخرب را از تجاوز به زیرساخت‌ها و داده‌های حیاتی منع نماید، انجام داده است. کنوانسیون بوداپست در مورد جرائم سایبری که توسط شورای اروپا در سال ۲۰۰۴ برگزار شد، اولین توافق الزام‌آور از این نوع است که اگرچه تبعات مثبتی را به همراه داشته است، اما مشکلاتی نیز دارد. این کنوانسیون به موجب ماده ۳۲ خود، امکان جاسوسی را فراهم می‌آورد و به همین دلیل تاکنون از سوی کشور ما و کشورهای دیگری چون روسیه پذیرفته نشده است (۲۲).



ایجاد فضای سایبری (فضای مجازی) در قرن بیستم تحولات بسیاری را پدید آورد. با اجتناب‌ناپذیری ورود به فضای سایبری، رویکردهای تقنینی کشورها با توجه به تهدیدها و ظرفیت‌های موجود تغییر یافته و قوانین و مقررات متعددی در سطح ملی و بین‌المللی وضع شده است، زیرا برای امنیت سایبر باید مقرراتی وضع شود تا هم ناظر به امنیت خود فضای سایبر باشد و هم امنیت فیزیکی را که مرتبط با کارکرد محیط سایبر است، فراهم کند. در واقع جهانی‌شدن فضای سایبر، همانند یک دنیای جدید حدود و ثغور حقوق سنتی و داخلی را درنور دیده است. بنابراین مقررات کیفری داخلی کشورها قابلیت و توانایی مقابله با جرائم ارتكابی در فضای سایبر را ندارد و همکاری و تعامل روزافزون کشورها با یکدیگر از طریق یکسان‌سازی معاهدات بین‌المللی و مطابقت قوانین و مقررات داخلی با آن بر مبنای اصول اخلاقی امری ضروری است. در معاهدات و مقرراتی که پیش از این گفته شد، سعی بر آن بوده است تا اجماع جهانی دولت‌ها بر مقابله و پیشگیری از جرائم در حوزه سایبر محقق شود، زیرا نمی‌توان بدون وجود عزم و انسجام اخلاقی و حقوقی کشورها، از بروز این جرائم پیشگیری کرد. در نهایت، باید به ناهنجاری‌های فضای سایبر به عنوان یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر نگاه شود و در جهت یکسان‌سازی معاهدات جهانی تلفیقی از راه‌کارهای اخلاقی و حقوقی به عنوان سیاستی کارآمد و مؤثر مورد استفاده قرار گیرد.

### نتیجه‌گیری

فضای سایبری همان فضای مجازی است که برخلاف فضای واقعی نیاز به جا به جایی مادی ندارد و با عنایت به خصوصیات سایبر و وسعت آن، مشارکت در این فضا دارای ملاحظات اخلاقی و حقوقی است. دولت‌ها باید برای برقراری نظم و امنیت در فضای سایبری، اقدامات سازنده و مؤثری را از طریق تعامل و همکاری‌های چندجانبه به انجام رسانند، به طوری که علاوه بر نظارت در سطوح ملی و فراملی، نهادی با هدف تقویت هرچه بیشتر همکاری‌های فراملی ایجاد کنند. همچنین به نظر می‌رسد دولت‌ها می‌توانند با تصویب مقررات

یکپارچه و اتخاذ رویکردهای اجرایی یکسان در سطح بین‌الملل موجبات نظم و امنیت در این فضا را فراهم آورند. در نهایت باید پذیرفت که هدف از نظم جهانی سایبری، حفظ منافع ملی کشورها بر مبنای اصول اخلاقی همچون برابری و عدالت، وفای به عهد، جبران خسارت ناروا، رعایت حریم خصوصی و منع تجاوز به حقوق دیگران است. نظم جهانی سایبری از طریق یکسان‌سازی معاهدات، هنجارهای اخلاقی مشترک و حقوق همگانی را فرا خوانده و هویتی مشترک ایجاد می‌کند تا با نادیده‌گرفتن مرزهای جغرافیایی و تنوع ملل، جامعه جهانی یکپارچه ساخته شود.

## References

1. Ramezani MH. Prevention and Suppression of Environmental Crimes in the Light of Nongovernmental Organizations in the Legal System of Iran. *Journal of Legal Justice* 2016; 75(6): 29-56. [Persian]
2. Asadi H. Transnational Organized Crime. *Journal of Economic Law* 2007; 21(5): 33-51. [Persian]
3. Mirtorabi MS, Shafiei F, Rezvanfar A. Application of Information Resources and Communication Channels in the Process of Adoption of Comprehensive Rural Waste Management. *Journal of Natural Environment* 2013; 3(6): 28-44. [Persian]
4. Bagheri S, Sasannejad H. Legal Issues on the Crime of Fraud. *Journal of Environmental Science and Technology* 2014; 4(2): 75-87. [Persian]
5. Bruce C. Fundamentals of Sociology. *Journal of Legal Studies* 2015; 7(5): 83-99. [Persian]
6. Bashriya H. Teaching Political Knowledge (The Basics of Theoretical and Political Science). *Journal of Parliament and Strategy* 2016; 23(1): 49-73. [Persian]
7. Pour-Safari H. International Criminal Law. *Journal of Political Law* 2017; 21(3): 20-33. [Persian]
8. Javid Nia J. E-Commerce Crimes. Tehran: Khorsandi Publishing; 2009. [Persian]
9. Zolaiin P. Basic Principles of International Law. Fourth Edition, Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publishing House; 2005. [Persian]
10. Roche Gee. Social Change. Translated by Vosoughi M. Tehran: Mizan Publishing; 2005. [Persian]
11. Razavi F. Public International Criminal Law. 2nd ed. Tehran: Publishing University of Tehran; 2017. [Persian]
12. Mirkamali A, Hajiyavand A. Environmental Prevention Analysis in the Light of UN Directives and the Ethical Principle of Prevention of Loss. *Journal of Biomedicine* 2017; 26(4): 61-75. [Persian]
13. Hajivand A, Mirkamali A, Safari F. Government Criminal Responsibility for Environmental Crime in Iran: Needs and Challenges. *Journal of Environmental Sciences* 2018; 87(4): 65-82. [Persian]
14. Falsafi H. International Law of Treaties. Tehran: Majd Publishing; 2000. [Persian]
15. Mohseni M. Sociology of Deviations. Tehran: Taheri Publishing; 2007. [Persian]
16. Moustaghi H. International Law between the Rule of Will and Law. Tehran: Mizan Publishing; 2010. [Persian]
17. Mirtorabi MS, Shafiei F, Rezvanfar A. Application of Information Resources and Communication Channels in the Process of Adoption of Comprehensive Rural Waste Management. *Journal of Natural Environment* 2013; 3(4): 28-44. [Persian]
18. Pejouyan J, Tabrizian B. Investigating the Relationship between Economic Growth and Environmental Pollution Using a Dynamic Simulation Model. *Journal of Economy* 2010; 9(3): 14-30. [Persian]
19. Pourbafarani H, Hemati M. A Review of Iran's Criminal Code against Environmental Crimes. *Journal of Parliament and Strategy* 2016; 23(12): 349-373. [Persian]
20. Saberi Z. Cyber Offenses and a Case Study on Environmental Offenses and its Penalties. Edited by the Editorial Board of the Yasaa Lawyers Group. Tehran: Khorsandi Publishing; 2018. [Persian]
21. Arman A, Varvae A, Jafari MJ. Ethical Dimensions of General Data Protection regulations and its Impact on Iran's Regulations and Citizenship Rights in Cyberspace. *Bioethics Journal* 2018; 8(30): 119-136. [Persian]
22. Alipour H. Content-related offenses: Black IT content. *Journal of Legal Studies* 2019; 10(3): 43-67. [Persian]